

داده است. با این حال در بازی‌های ژئوپلیتیکی منطقه، برتری از آن روسیه است. لاجرم، چین حضور و نقش پررنگی در سازمان همکاری شانگهای برای رسیدن به اهداف خود، ایفا می‌کند. سازمان همکاری شانگهای یک جامعه امنیتی نوظهور است که در سال ۲۰۰۱ ایجاد شده است تا در منطقه آسیای مرکزی، تهدیدهای جدید، از جمله تروریسم و تجزیه‌طلبی را برطرف کند. چین و روسیه مهم‌ترین اعضای شکل‌دهنده این سازمان هستند. در حدود زمان بحران کریمه، چین و روسیه در زمینه همکاری‌های اقتصادی به توافق‌های قابل توجهی رسیدند، که نمونه آن در توافقنامه گاز طبیعی مه ۲۰۱۴ است که به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار بود و همچنین همکاری در مناطق استراتژیک، نشان داده شده است (Lanteigne, 2017).

در مجموع به نظر می‌رسد که سازمان همکاری شانگهای به قول پوتین «مدام مهم‌تر می‌شود و به سمت ایفای نقش‌آفرینی بیشتری در منطقه و جهان پیش می‌رود» (<http://www.dw-world.de/a/13/4/1386/>). این سازمان نمی‌تواند در آینده به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه، در شرایط متحول جهان کنونی باعث خواهد شد که این سازمان به‌عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای خود را مطرح سازد. سازمان همکاری شانگهای خواسته یا ناخواسته، به تدریج در حال تبدیل شدن از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان فرامنطقه‌ای است که با توجه به رویکرد استقلال‌طلبانه نسبی روسیه نسبت به آمریکا و غرب و نیز با توجه به نقش غالب روسیه و چین در سازمان همکاری شانگهای، این سازمان چنانچه بر مشکلات درونی خود فائق آید، می‌تواند در آینده به یک سازمان فرامنطقه‌ای مهم و تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل تبدیل شود. در راستای قدرت چین و نقش پررنگ آن در این سازمان، به این موضوع نیز باید اشاره کرد که، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم دیپلماسی خاورمیانه‌ای چین و کل کمک‌های خارجی، کشورهای خاورمیانه از سال ۱۹۵۴ از چین کمک دریافت کرده‌اند. در اوایل قرن بیست‌ویکم، چین در دوره جدید افزایش و رشد وضعیت اقتصادی، همکاری‌های تکنولوژیکی و توسعه منابع انسانی خود را با کشورهای خاورمیانه تقویت کرده است (Yu, 2020).